

گریه‌ای بدون اشک

قصیده‌ای در سوگ شهدای کربلا

بخشی از کتاب مع الاسراء الاحرار

مترجم و شارح :

علی امامی

فهرست مطالب

صفحه	موضوع
۹	آغاز
۱۳	کلیات
۱۴	شناسنامه‌ی قصیده
۱۵	معانی واژگان
۱۸	کارنامه‌ی قصیده
۲۱	متن قصیده
۲۱	ترجمه و شرح قصیده
۸۷	سخن پایانی
۹۷	فهرست منابع و مآخذ

فرازی از زیارت عاشورا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اِبَاعَبْدِاللّٰهِ وَ عَلٰى الْاَرْوَاحِ اللَّتٰى حَلَّتْ بِفَنَائِكَ عَلَيْكَ مِنِّى
سَلَامُاللّٰهِ اَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَ بَقِىَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ وَ لَا جَعَلَهُ اللّٰهُ اَخِرَ الْعَهْدِ مِنِّى
لَزِيَارَتِكُمْ. السَّلَامُ عَلٰى الْحُسَيْنِ وَ عَلٰى عَلِىِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ عَلٰى اَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَ
عَلٰى اصْحَابِ الْحُسَيْنِ^۱.

سلام بر تو ای ابا عبد الله و بر ارواح پاکی که در جوار و حریم تو در آمدند.
سلام خدا از من بر تو باد الی الابد، مادامی که شب و روز باقی است و خدا این
زیارت مرا آخرین عهد با حضرتت قرار ندهد و مرا مکرر موفق به زیارتت
بگرداند. سلام بر حسین و بر علی بن الحسین و بر فرزندان حسین و بر اصحاب
حسین.

آغاز

خداوند متعال را شاکرم که توفیق عنایت فرمود، ترجمه و شرح قصیده‌ای را تقدیم خوانندگان و علاقه‌مندان به خاندان اهل بیت علیهم‌السلام کنم که از عواطف و احساسات عمیق، پاک و زلال چشمه‌های جوشان محبت آل الله علیهم‌السلام سرچشمه گرفته و سرشار از شور و عشق و ارادت است در این قصیده، هنر شعری و بلاغی و آرایه‌های ادبی موج می‌زند؛ شاعر با سرودن آن ارادت خالصانه‌ی خود را به مولا و مقتدایش، سرور آزادگان جهان حسین بن علی علیه‌السلام ابراز می‌دارد.

در دوران دفاع مقدّس و جنگ تحمیلی هشت ساله‌ی استکبار جهانی علیه انقلاب اسلامی ایران، تعداد زیادی از نیروهای نظامی رژیم بعثی عراق به اسارت رزمندگان پرتوان اسلام درآمدند و تا پایان دفاع مقدّس مهمان جمهوری اسلامی ایران بودند و تحت تأثیر رفتار انسانی مسئولان ایرانی بارقه‌های امید در قلب آنان درخشید و تغییرات عمیقی در روحیه و سطح اخلاق و دیدگاه‌های آنها به وجود آمد و در نتیجه شعرهایی در زمینه‌های گوناگون سرودند، یکی از این اسیران، شاعری با نام مخفّف (م.ح.ز) است که قصیده‌ای در عزای امام حسین علیه‌السلام و در سوگ شهدای گرانقدر کربلای پر بلا، تحت عنوان «بُكَاءٌ بِلا دُمُوع» گریه‌ای بدون اشک به زبان عربی سروده است و در مسابقه‌ای که از طرف حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی ترتیب داده شده بود، شرکت کرده و در نهایت در سال ۱۳۶۹ در قالب کتاب (مع الأسرى الأحرار) توسط آن حوزه به چاپ رسید.

در طی مطالعه‌ی این قصیده‌ی باارزش، با مضامین خوب آن آشنا شدم که شاعر به نوبه و در حد توان خود نهضت امام حسین علیه‌السلام را به تصویر کشیده است. با این وصف تصمیم گرفتم آن را به زبان فارسی ترجمه و شرح کنم و به

علاقه‌مندان اهل بیت علیهم‌السلام تقدیم نمایم. این قصیده در شرایط خاصی سروده شده و احتمالاً بنا به دلایل امنیتی آن زمان، نام شاعر به صورت مخفف ذکر شده و از هویت دقیق و کامل وی اطلاعی در دست نیست.

شاعر با نگاهی نو و تازه به مصیبت و عزاداری امام حسین علیه‌السلام می‌نگرد و قصیده را «گریه‌ای بدون اشک» نام نهاده است و در مصیبت جان‌گداز آن حضرت مدام گریسته و اشک ریخته، در نتیجه اشک‌هایش پایان یافته و خشک شده و دیگر اشکی برای جاری شدن نمانده است. از بس مصیبت بزرگ و طاقت‌فرسا بود، چشم می‌خواهد همچنان بگرید و قصد اقامه‌ی عزای سوزناک و گریه دایمی داشته باشد. در اینجا است که «گریه‌ای بدون اشک» خالص‌ترین گریه و بارزش‌ترین سوگواری محسوب می‌شود. تا جایی که به جای اشک، خون گریه می‌کند! و با ادامه‌ی آن، چشم نور خود را از دست می‌دهد و عاشق با نور دل آنچه را که اغیار نمی‌بینند، مشاهده می‌کند. گریه‌ای بدون اشک، فریادی خاموش و اعتراضی همیشگی به ظالمان زمان و امیدی به مظلومان جهان، جهت مبارزه با ظلم و ستم و قیام علیه مستکبران و زورگویان و ندایی برای یاری حق و زوال باطل است.

گریه‌ی مناسب در برابر نااهلان و نامحرمان گریه‌ی بی‌صدا و خاموش است، نامحرمان توان درک حقیقت گریه را ندارند. برای همین، شاعر که دلش از مصیبت سرور شهیدان پر خون و اشک چشمش خشک شده است، قصد گریه بر آن یار غریب و دور از وطن را دارد، شرایط را برای ریختن اشک مناسب ندیده، لاجرم گریه خود را آشکار نساخته و مخفی داشته؛ ولی گریه را ترک نکرده است تا از قافله‌ی گریه‌کنندگان بر سردارِ سر از تن جدا، عقب نماند و پاسخ مناسبی به مصیبت‌ها و درد و رنج‌ها بدهد و خود را با عالمی که بر حسین فاطمه علیهم‌السلام گریه کردند، همسو و هم‌نوا نماید و از فیض بی‌شمار آن بی‌نصیب نماند و به صورت آرام با خود زمزمه کرده و بی‌صدا می‌گرید.

خموشی و بی‌صدایی و سکوت، حرف‌های زیادی را با خود دارد. ناله‌هایی از مرز زمان و مکان عبور می‌کنند و پیام خود را به مخاطبانشان می‌رسانند، سکوت قابل تحریف و دست‌کاری نیست، سکوت فریادی است که فقط ضمائر و دل‌های بیدار طاقت و تاب آن را دارند و سکوت بهترین امانت‌داری است که امانت را خوب به صاحبش می‌سپارد. گریه‌ی بی‌صدا، سکوتی توأم با ریختن اشک غم است. خانم مارگوت بیکل شاعر آلمانی چه خوب سروده است:

سکوت سرشار از ناگفته‌هاست.

یکی از مشخصه‌های شعر شیعی از سایر اشعار آن است که گریه‌ی خالص در آن نقش زیادی دارد و با سوز دل همراه است. شعرای غیر شیعی گریه‌ی صادقانه برای شاه یا امیری یا ثروتمندی ندارند؛ چرا که آنان دنبال صله و پاداش‌اند و اگر ممدوح آنان بمیرد، بخشش او با مرگش دفن می‌شود. ولی شاعران شیعی امامان خود را از سویدای جان دوست دارند و چون زندگی اهل بیت (علیهم‌السلام) با مصائب همراه است و شاعران شیعی به این دردها و رنج‌ها می‌گیرند. گریه‌ی عزاداران بر حضرت سیدالشهدا (علیه‌السلام) گریه‌ی عاطفی است نه گریه‌ی ضعف و ناتوانی.

فضیلت گریه بر امام حسین (علیه‌السلام) فقط در مورد افرادی صدق می‌کند که دارای اعتقادات صحیح بوده و عامل به دستورات الهی باشند و شامل همه‌ی افراد نمی‌شود. خداوند به وسیله‌ی گریه اسباب و زمینه‌ای برای غفران فراهم نموده است تا انسان مؤمن با اتکای به این اسباب و وسایل خود را در معرض عفو خداوند قرار دهد.

موضوع محبت و عشق‌ورزی شاعر به محبوب خود محور اصلی قصیده است؛ عشقی که دورویی و نفاق و چنگانگی در آن راه نیافته است. شاعر به خاطر مسائل دنیوی و چشمداشت‌های مادی به محبوب عشق نمی‌ورزد؛ بلکه در راستای محبت و دوستی خداوند، دلدار خود را از ته دل و با عشق و محبت صادقانه و عمیق و ماندگار دوست می‌دارد.

شاعر اهل بیت علیهم السلام توانسته روح و روان مخاطبان را حول محور کربلا جمع کند و مصائب خاندان رسالت و یاران حضرت امام حسین علیه السلام را مطرح و بر اذهان تأثیر بگذارد و آن حماسه‌ی ماندگار را زنده و از اسلام و امامان معصوم علیهم السلام و قیام خونین کربلا دفاع نماید.

حادثه‌ی جان‌گداز کربلا دل هر انسان صاحب وجدانی را به درد می‌آورد و می‌سوزاند. شهادت مظلومانه و حق‌طلبانه و روشنگرانه امام حسین علیه السلام و یاران مخلص ایشان چراغ راه آزادگان جهان و ره‌پویان حق و عدالت است.

وظیفه‌ی خود می‌دانم از کلیه‌ی عزیزانی که با ابراز محبت، مرا در این کار تشویق کردند و با راهنمایی‌های خود یاری نمودند، تشکر کنم.

و ما توفیقی إلا بالله علیه توکلت و إليه أنیب

کلیات

قصیده یکی از قالب‌های شعری است که مورد استفاده‌ی اکثر شعرا قرار گرفته است و شاعران متعدّد در این قالب ارادت خود را به اهل بیت علیهم‌السلام بخصوص حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام ابراز داشته‌اند و مکنونات قلبی خود را با شعر بر روی کاغذ جاری کرده و با تک‌تک حروف و کلماتشان لباس سیاه به تن نموده‌اند و مصراع‌ها و بیت‌ها در عزایش در جای‌جای آسمان‌ها و زمین ناله سر داده و با سایر موجودات هم نوا شده‌اند.

پیش از شروع به ترجمه‌ی قصیده، جهت آشنایی با مفردات بکار رفته در متن قصیده و شناسه‌ی قصیده «بُكَاءٌ بِلا دُمُوع»، توضیحاتی مختصر جهت روشن‌شدن اذهان و آمادگی ورود به موضوعات مورد بحث در متن قصیده، به استحضار خوانندگان گرامی داده می‌شود.

قصیده: در لغت به معنی بی‌عیب، بدون نقص، مقصود، مراد، منظور، منظومه، چکامه و در اصطلاح، نوعی از شعر است که بیشتر در مدح یا ذمّ کسی یا چیزی می‌گویند و دو مصراع بیت اول (مطلع) آن با مصراع‌های دوم سایر ابیات هم قافیه و تعداد آن از شانزده بیت بیشتر است و جمع آن قصائد.

اولین بیت قصیده را در اصطلاح، بیت‌المطلع و آخرین بیت آن را مقطع می‌نامند. شعرا سعی دارند که مطلعی نیکو و مقطعی زیبا را برای قصیده خود انتخاب کنند.

شناسنامه‌ی قصیده:

نام قصیده: بُكَاءٌ بِلا دُمُوع (گریه‌ای بدون اشک).

موضوع قصیده: سوگ شهدای کربلا.

سیر کلی قصیده: شاعر در این قصیده با محبت و عشق خود، ارادتش را به حضرت امام حسین علیه السلام نشان داده است و بر گریه‌ی خاموش نمادهای عزا در مصیبت آن عزیز فاطمه علیها السلام تأکید می‌کند و با آنها هم‌نوا می‌شود و از طرفی یاوران حق و باطل را مقایسه می‌کند و سوابق بنی‌هاشم و بنی‌امیه را بیان می‌نماید، اهل ایمان و کفر را برای جهانیان می‌شناساند و بر عزت و ظلم‌ستیزی و جهاد و مبارزه در راه عقیده و هدف متعالی و بی‌زاری از ذلت توسط امام حسین علیه السلام تأکید می‌کند و اینکه در هر زمان حسینیان و یزیدیان حضور دارند و نهضت حسینی فقط در کربلا خلاصه نمی‌شود و راه انقلاب حسینی و فرهنگ عاشورایی باز است و مسیرش پر از رهرو است. شاعر در پایان بشارت عدم خاموشی چراغ تابان حق را به حق‌طلبان می‌دهد. فاجعه‌ی اسف‌بار کربلا را ترسیم می‌کند و گمراهان را به راهی استوار و محکم و افتخارآمیز دعوت می‌نماید و در انتها بر چشم اشک‌بار و بی‌درمان خود و قلب سوزناک زخمی‌اش از سوگواری سیدالشهدا علیه السلام اشاره می‌کند و بر ادامه‌ی راه آن امام شهید تأکید می‌نماید.

تعداد ابیات: چهل و هشت بیت.

وزن قصیده: مستفعِلن مستفعِلن فعلا تن.

شاعر در اکثر ابیات از اختیارات شاعری استفاده کرده است.

معانی واژگان:

اشک: قطره‌ی آب، سرشک، آبی که در اثر گریه از چشم فرو ریزد.

گریه: فرو ریختن اشک از چشم از شدت اندوه و تأثر.

گریستن: مصدر، گریه کردن، اشک ریختن.

گریان: در حال گریستن، اشک ریزان.

دمع: اشک چشم و جاری شدن آن. جمع آن دُموع است. مصدر؛ به معنای اشک ریختن.

بکی: در لغت به معنی گریستن، جاری شدن اشک است. به خاطر حزن و اندوه و یا به معنای غالب بودن اندوه و غم است. هرچند در آن اشک جاری نشود. از ماده‌ی بکاء (با مدّ یا بدون مدّ) گرفته شده است و در اصطلاح به معنی گریه به سبب خوف از خداوند، یا پشیمانی از گناهان، و یا نگرانی از سرنوشت پس از مرگ و ترس از محاسبه‌ی روز جزا. بُکاء: گریستن، گریه، سرشک، گریه و اشک ریختن، گریستن به آواز، بُکاء (به مدّ) به معنای گریه و اشک ریختن همراه با حزن و اندوه، با صدای غمگین است.

در کل آب زلالی که در وقت ترحم، سوزش دل و یا شوق از چشم فرو می‌ریزد، اشک، سرشک، عبره و دمع گفته می‌شود و این عمل را گریه یا بُکاء می‌نامند.

معصومین علیهم‌السلام شهادت حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام و یاران باوفایش را مصیبتی بس عظیم دانسته و از آن حضرت به قتل العبرة یعنی شهید اشک یاد کرده‌اند.

تباکی: تپ و شکل گریه به خود گرفتن و به استقبال اشک رفتن است. از باب تفاعل به مفهوم گریستن اجتماعی و دسته‌جمعی است. تباکی یعنی تمایل به گریه، خود را به گریه درآوردن، گریه‌ی بدون اشک. تباکی حالت گریه و زاری و